



604

C

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«در زمینه مسائل علمی، باید دنبال قله بود.»
مقام معظم رهبری

عصر جمعه
۱۴۰۲/۱۲/۰۴

دفترچه شماره ۳ از ۳

آزمون ورودی دوره‌های دکتری (نیمه‌تمترکز) – سال ۱۴۰۳

ترجمه، زبان و ادبیات عربی (کد ۲۱۱۰)

مدت زمان پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	ترجمه و تعریب متنون – صرف و نحو – علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض)	۴۰	۱	۴۰
۲	تاریخ ادبیات عربی – درک و فهم متنون ادبی (قدیم و جدید)	۴۰	۴۱	۸۰

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.
اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤال‌ها، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤال‌ها و پایین پاسخنامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

ترجمه و تعریف متون - صرف و نحو - علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض):

■ عين الأنسب والأدق في الجواب عن الترجمة أو التعرّيب أو المفهوم (١٠-١)

١- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّعِلْكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ عَيْنُ الصَّحِيفَ:

۱) همانا ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا شاید تعقل ورزید!

۲) قطعاً ما قرآنی را به زبان عربی فرو فرستادیم تا شاید اندیشه کنید!

۳) همانا ما آن قرآن را به عربی، فرو فرستادیم باشد که اندیشه ورزید!

٤) قطعاً ما آن را به صورت قرآنی عربی نازل کردیم باشد که تعقل کنید!

٢ - عين الخطأ:

۱) قال أبوجهل: سیعلم غداً من المقتول ماذا إذا التقينا؛ و ارتحلت قريش حين أصبحت؛ أبوجهل گفت: فرداً معلوم خواهد شد زمانی که با هم دیدار کردیم از ما چه کسی کشته شده است؛ و قریشیان چون به صبح اندر شدند، اهی، گشتند؛

۲) فلما راهم رسول الله (ص) تصوّب من الكثيب، قال: اللّهم هذه قريش قد أقبلت بخيالها و فخرها: و رسول الله (ص) چون آنها را دید که از تپه شنی سرازیر شده‌اند، گفت: خداوندا این قريش است که با تکرّر و غرور خود روی آو، دهاند؛

۳) ثَحَدُوكَ وَ تَكَذِّبُ رَسُولَكَ! اللَّهُمَّ فَنَصِّرْكَ الَّذِي وَعَدْتَنِي! اللَّهُمَّ فَأَحِنْهُمُ الْغَدَاءَ: درحالی که با تو ضدیت می‌کنند و رسول تو را تکذیب می‌نمایند! خدایا نصرتی را که به من وعده دادی برسان! بار الها سپیدهدم فردا آنها را هلاک کن؛

۴) و رأى عتبة بن ربيعة في القوم على جمل أحمر، فقال: إن يكن عند أحد من القوم خيرٌ فعند صاحب الجمل الأحمر، إن يُطِيعُوه يَرْشُدُوا!: و عتبة بن ربيعة قومي را دید که بر شتری قرمز رنگ سوار هستند و گفت: اگر فردی از این قوم را خیری در بر باشد نزد صاحب این شتر قرمز رنگ است که اگر اطاعت او را کنند به صراط مستقیم هدایت خواهند شد!

٣- عین الصحيح: «يجب اعتبار عصر حكم المسلمين في إسبانيا أكثر عصور تلك المنطقة ازدهاراً من الناحية الثقافية. فالعلوم المختلفة التي كانت قد نفذت من الشرق الإسلامي إلى إسبانيا كانت قد بلغت مرحلة من الازدهار يقَّنَ نظيرها!»:

١) دوران حکمرانی مسلمین در اسپانیا را از لحاظ فرهنگی باید درخشانترین دوران تاریخ آن سرزمین بحساب آورد.

زیرا علوم گوناگونی که از شرق اسلامی به اسپانیا راه یافته بود به مرحله‌ای کم‌نظیر از شکوفائی رسیده بود!

٢) دوره فرمانروائی مسلمانان را در اسپانیا می‌توان از لحاظ فرهنگی درخشانتر از سایر عصور در آن سرزمین دانست. علوم گوناگون که از شرق اسلامی به این سرزمین راه یافته بود به مرحله‌ای بی‌نظیر از درخشش رسیده بود!

٣) عصر حکمرانی مسلمانان را در اسپانیا می‌توان درخشانترین عصر فرهنگی آن سرزمین بشمار آورد. دانشهای مختلف که از مشرق اسلامی به اسپانیا روانی آورده بود در این سرزمین به موقعیتی بی‌نظیر در شکوفائی دست یافته بود!

٤) روزگار فرمانروائی مسلمین در اسپانیا را باید از نظر فرهنگی درخشانترین دوره تاریخ آن سرزمین بحساب آورد.

دانشهای گوناگون از مشرق اسلامی به سرزمین اسپانیا راه یافته بود و به مرحله‌ای کم‌نظیر از شکوفائی رسیده بود!

٤- «أَعْوَامٌ وَصِلٌ كَانَ يُنْسِي طَوْلَهَا ذَكْرُ النَّوْى، فَكَانَهَا أَيَّامٌ!»:

١) أذکر أيام الوصل و سنواته الطويلة و أظنَّ أنها قد انقضت بسرعة و كأنَّها أيام قليلة!

٢) ما أطيب أيام وصلنا لو لم يكن الفراق بعدها، لأنَّ ذكر الفراق أيضاً يمحو أيام الوصل الحلوة!

٣) إنَّ سنوات الوصل يُمحى ذكر الفراق من ذاكرتي مدتها الطويلة، فكأنَّ هذه السنوات انقضت في أيام!

٤) لقد نسيت الفراق و ذكره، لأنَّي أذكَر دائمًا أيام الوصل، فالوصل يُنسِي في خاطري ذكريات الفراق المرّة، كأنَّها أيام قليلة أمام ذكرياتي الجميلة!

٥- «وَفِيكِ إِذَا جَنِي الْجَانِي أَنَّاهُ ثُنَّطَ كَرَامَةً، وَ هِيَ احْتِفَازٌ!»:

١) جنایتکار چون جنایت کند، تو را چنان حلم و بردباری خواهد بود که آن را تکریم پنداری، حال آنکه تحقیر است!

٢) چون جنایتکاری جنایت کند، آن چنان بردباری و حلمی نشان می‌دهی که آن را کرامت پندارند، درحالی که عین خواری است!

٣) چون جانی در مورد تو جنایتی کند، چنان بردباری و حلم خواهی داشت که پندارند قصد اکرام او را داری، درحالی که فقط خوارکردن است!

٤) جانی وقتی جنایتی در حق تو می‌کند، آن چنان حلم و بردباری از خود نشان می‌دهی که پنداری قصد تکریم او را داری، و حال اینکه نهایت تحقیر است!

٦- «لَا تُثْهِنَّ دُنْيَا طَالِمًا لَعِبَتِ بِالنَّاسِ قَبَّلَكَ أَيْمًا لَعِبَ!»:

١) نباید تو را به خود سرگرم کند دنیائی که مردمان بسیاری را قبل از تو به بازی گرفته است!

٢) مباداً تو را به خود سرگرم کند؛ دنیا از دیرباز با مردم پیش از تو چه بازیها کرده است!

٣) زنهار از اینکه به دنیائی بپردازی که بسا قبل از تو مردمانی را سرگرم کرده و بازی داده است!

٤) برحذر باش از اینکه دنیا تو را به خود مشغول کند که بسا مردمی که قبل از تو با آنها بازیها کرده است!

٧- عین الیت الذي یشیر إلى سنن تناول الطعام أو ما شابه ذلك:

١) و لولا اجتناب الذام، لم یُلْفَ مَشَرْبٌ یُعَاشْ بِهِ، إِلَّا لَدِيَّ، وَ مَأْكُلٌ!
 ٢) وَ إِنْ مُدْتَ الأَيْدِي إِلَى الزَّادِ، لَمْ أَكُنْ بِأَعْجَلِهِمْ، إِذْ أَجْشَعَ الْقَوْمَ أَعْجَلٌ!
 ٣) وَ لَسْتُ بِمِهِيَافِ، يُعْشَى سَوَامِهِ مُجَدَّعَةً سُقْبَائِهَا، وَ هِيَ بُهَّلٌ!
 ٤) وَ أَغْدُو عَلَى الْقَوْتِ الزَّهِيدِ، كَمَا غَدَ أَزْلُ تَهَادِهِ التَّنَافُ، أَطْهَلٌ!

٨- «هنوز دهان باز نکرده بود که پشیمان گشت و بیهوش شد و در اغما فرو رفت!». عین الصیح:

١) بِمَجْرِدِ أَنْ فَتَحَ فَمَهُ نَدْمٌ وَ غَشَى وَ أَغْمَى فِيهِ!
 ٢) لَمْ يَكُدْ أَنْ فَتَحَ فَوْهَ حَتَّى سُقْطَ فِي يَدِهِ وَ أَغْشَى وَ أَغْمَى فِيهِ!
 ٣) مَا كَادَ يَفْتَحُ فَاهَ حَتَّى سُقْطَ فِي يَدِهِ وَ غَشَى وَ أَغْمَى عَلَيْهِ!
 ٤) بِمَحْضِ أَنْ فَتَحَ فَمَهُ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ النَّدْمُ وَ الْغَشَّ وَ أَغْمَى عَلَيْهِ!

٩- «هدایت شدن از تاریکی بسمت روشنائی گوشی شنوا می خواهد که بانگ حق را بشنود و غوغای ضلالت آن را کر نکرده باشد!»:

١) الْحَذَرَةُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ الْوَصْوَلُ إِلَى الرُّشُدِ يَرِيدُ سَمْعًا وَاعِيًّا يَفْهَمُ نَبَأَ الْحَقِيقَةِ وَ لَا يَصِمُّ بِاسْتِمَاعِ صِحَّةِ الضَّلَالَةِ!
 ٢) الْبَعْدُ مِنَ الظُّلْمَةِ إِلَى الْفَجْرِ يَحْتَاجُ إِلَى أَذْنٍ وَقَرَاءَ تَفْقِهِ صَوْتُ الْحَقِيقَةِ وَ لَمْ تَصْبِ بِالصَّمْمِ بِغَوَّاغِيَةِ الضَّلَالَةِ!
 ٣) الْهَدَايَةُ مِنَ الظُّلْمَةِ إِلَى الرُّشُدِ بِحَاجَةٍ إِلَى سَمْعٍ وَاعِيٍّ يَسْتَمِعُ إِلَى صِيَاحِ الْحَقِيقَةِ وَ لَا يَصِمُّهُ ضَجْيجُ الضَّلَالَةِ!
 ٤) الْاهْتِدَاءُ مِنَ الظُّلْمَةِ إِلَى النُّورِ يَطْلُبُ أَذْنًا صَاغِيَةً تَسْمَعُ نَدَاءَ الْحَقِيقَةِ وَ لَمْ تَصْمِمْهَا ضَوْضَاءُ الضَّلَالَةِ!

١٠- عین الخطأ:

١) آیا این کتاب مقدمه علمی ارزشمندی نداشت: ألم تكن لهذا الكتاب مقدمة علمية قيمة!
 ٢) آرزو می کند که در رویاروئی با سختیها عاقل باشد: أتمنى أن تكون عاقلاً في مواجهة المصابع!
 ٣) وقتی بسمت جایگاه سخنرانی می رفتم حاضران فقط دست می زدند: حينما كنت أذهب نحو منصة الخطابة إنما الحضور كانوا يصفقون!
 ٤) بیشتر دانشجویان می خواهند بین همکلاسیهای خود دانشجوی نمونه باشند: أكثر الطلبة يبغون أن يكونوا الطالب النموذجي بين زملائهم!

■ ■ عين الخطأ في الجواب عن الإعراب و التحليل الصرف (١١-١٥)

١١- ﴿ و من أهل الكتاب من إن تأمنه بقطار يؤدّه إليك ...﴾ :

١) يؤدّه: مضارع من باب تفعيل (مصدره: تأدية) - مضاعف و إدغامه واجب؛ فعل جواب شرط و مجزوم بحذف حرف العلة الياء

٢) تأمن: فعل مضارع مجرد ثلثي، مهموز الفاء؛ فعل شرط و مجزوم و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً، و جواب الشرط فعل «يؤدّه»

٣) بقطار: الياء حرف عامل جر للاستعلاء بمعنى «على»، و الجار و المجرور متعلقهما فعل «تأمن»

٤) مَنْ: اسم موصول عام و صلته الشرط و جوابه، و عائد الصلة ضمير الهاء في «تأمنه»

١٢- «يعجبني رجال العلم و لاسيما العامل منهم بعلمه!» :

١) سَيِّ: اسم بمنزلة «مثل» وزناً و معنى، تثبيته «سيّان» و «العامل» خبر لمبتدأ مذوف

٢) سَيَّ: اسم «لا» النافية للجنس و مضاف و معرب و منصوب، و عنده «ما» موصول عام و مجرور بالإضافة

٣) العامل: مستثنى متصل و مجرور بالإضافة و عنده «ما» حرف زائدة؛ أو منصوب على أنه تميّز و عنده «ما» حرف زائدة و كافية

٤) الواو: حرف اعتراف أو استئناف أو عطف أو حالية، و الجملة بعدها تكون اعترافية أو استئنافية أو معطوفة أو حالية

١٣- «المسألة إن ثمّن النّظر فيها تحلّها و إن كانت مغلقة!» :

١) تحلّ: مجرد ثلثي - صحيح و مضاعف؛ جائز الإدغام و التفكيك؛ و في حالة الإدغام تفتح أو تكسر اللام

٢) مغلقة: اسم مفعول (مصدره: إغلاق)، نكرة؛ خبر مفرد لفعل «كان» الناقص و منصوب

٣) ثمّن: مضارع (من باب إفعال)، متعدّ؛ فعل شرط و مجزوم، و الكسرة لرفع التقاء الساكنين

٤) المسألة: مصدر ميمي، معرب؛ مشغول عنه و جائز الرفع أو النصب على الابتداء أو المفعولية

٤- «يا رب لا تسلّبني حبّها أبداً و يرحم الله عبداً قال: آمينا!» :

١) تسلّن: فعل مضارع - مجرد ثلثي - متعدّ / فعل مبني على الفتح لاتصاله بنون التوكيد، فاعله ضمير «أنت» المستتر فيه وجوباً

٢) أبداً: اسم - مفرد مذكر / ظرف أو مفعول فيه لاستغراق المستقبل و منصوب، و منون دائمًا و يستعمل مع النفي و مع الإثبات

٣) آمينا: اسم فعل مرتجل بمعنى الأمر - مبني على الفتح (و الألف للإطلاق) / اسم فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً

٤) ربّ: مفرد مذكر - معرف بالإضافة - معرب / منادى مضاف و منصوب بفتحة مقدرة، و المضاف إليه ضمير الياء المذوف جوازاً

١٥ - «**جَزَى اللَّهُ عَنِّي، وَالْجَزَاءُ بِفَضْلِهِ رِبِيعَةُ خَيْرٍ، مَا أَعْفَ وَأَكْرَمَا:**»

- ١) **الجزاء:** اسم جامد و مصدر، مبتدأ و مرفوع و خبره شبه الجملة «بفضل» و الجملة اسمية و اعتراضية
- ٢) **أعْفَ:** فعل جامد للتعجب، صحيح و مضاعف (إدغامه جائز)، و المتعجب منه مذوف لدلالة الدليل عليه، أي **مَا أَعْفَهَا وَأَكْرَمَهَا**
- ٣) **جزى:** فعل ماضٍ، معتل و ناقص (إعلاله بالقلب)، متعدٌ إلى مفعولين ليس أصلهما مبتدأ و خبر، و **هَمَا** «**رِبِيعَةُ، خَيْرٍ**»
- ٤) **أَكْرَمَا:** فعل جامد على وزن الماضي لإظهار التعجب. متعدٌ، و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً على **خَلَفُ الْأَصْلِ** تقديره «**هُوَ**» و مرجه «**مَا**»

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٢٨-١٦)

١٦ - عين «**ذا**» ليس اسم موصول:

- ١) من **ذا** عندك.
- ٢) من **ذا** الرجل.
- ٣) من **ذا** زارك.
- ٤) من **ذا** في الدار.

١٧ - عين **الخطأ** في النسبة:

- ١) بديهية: بدعي
- ٢) متاجر: متجر
- ٣) سمراء: سمرائي
- ٤) ربي: راري

١٨ - عين **الخطأ**:

- ١) إذا نقي نفسك الجهل تفوز!
- ٢) إن نقين أنفسكم الجهل تفوزون!
- ٣) إن نقين نفسك الجهل تفوز!

١٩ - عين الممنوع من الصرف (كلها):

- ١) بلخ، تدمر، عمر، يعقوب، بيت لحم
- ٢) نوح، عمرو، معاوية، مريم، زيدان
- ٣) بعلبك، آخر، أسانذة، هود، شعيب
- ٤) سكران، أحمر، خنساء، عاد، إحسان

٢٠ - «**أَهَمُكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زَرْتُمُ الْمَقَابِرَ**». عين الصحيح في البناء للمفعول:

- ١) ثلثين التكاثر حتى ثاروا!
- ٢) ثلثون في التكاثر حتى ثاروا!
- ٣) ألهيكم حتى زيرت المقابر!
- ٤) ألهيتم حتى زيرت المقابر!

٢١ - عين الصحيح (الشرط و القسم):

- ١) إن تفارقني، وحياتك لتعكرن موارد عيشي!
- ٢) أخوك و الله إن ينصب على العلم يحرر شهرة بعيدة!
- ٣) إن شعفاني في مرضي و نفسي تلقاً متى ما يروقكما!
- ٤) وأبيك إن قمت بهذه المساعي المحمودة، تلهج الألسنة بذكرك!

٢٢ - عين الواو لايصح أن تكون عاطفة:

- ١) لقد أسكن الله آدم نفسه و زوجته في الجنة و أمرهما ألا يتبعا الشيطان!
- ٢) لو تكون نظرتك إلى الدنيا متشائمة، إذن ما لي و تحريضك عليها!
- ٣) كانت مريم و صديقتها غارقتين في مطالعة دروسها!
- ٤) فليتذكّر الإنسان و لا ينس أبداً أنه هو و عمله!

٢٣ - عين الخطأ في أخذ فاء الجزاء:

- ١) ليت من يأتيك فله منك إكرام!
- ٢) إنّ الذي يسألني فله كتاب!
- ٣) كلّ من ينظم الشعر فله جائزة متّي!
- ٤) صديق يساعدك في الشّدة فهو جدير بالثناء!

٢٤ - عين الخطأ:

- ١) طالعت ثمانية عشرة مقالة و لم تعجبني منها إلا المقالة الثانية عشرة!
- ٢) أطالعت السبع مقالات و خمسة الشروح التي دفعتها لك!
- ٣) هل أعجبك السبعة الكتب التي اخترتها لك للمطالعة!
- ٤) عندما دخلت الخمس عشرة طالبة الصفّ رحّبت بهنّ!

٢٥ - عين الحال غير المؤولة إلى المشتق:

- ١) اقترب للناس العام الجديد و هم يدخلون الأسواق فرداً فرداً.
- ٢) بحثت الشارع عن محفظتي التي فقدتها شيئاً شيئاً و لم أجدها!
- ٣) يا طفلي؛ وجهك الجميل يبدو قمراً كلما تبسمين، فأمل باك شوفاً!
- ٤) إنّ أصحاب ثمود كانوا ينحتون الجبال بيوناً فهم كانوا ذوي قوة و جلال.

٢٦ - عين التوكيد المعنوي:

- ١) كنا ذاهبين معهم أنفسهم!
- ٢) دعوا أنفسهم إلى الضيافة!
- ٣) كانوا أنفسهم يظلمون!
- ٤) أعادوا الأمر إلى أنفسهم!

٢٧ - عين الخطأ:

- ١) علمته درساً لن ينساه!
- ٢) علمتني درسي لن أنساه!
- ٣)رأيتك قادراً على إنجاز هذا العمل!
- ٤)رأيتك قادراً على إنجاز هذا العمل!

٢٨ - عين الخطأ (في قواعد النداء):

- ١) يا عليّ الأستاد؛ أدع لنا في دعائك!
- ٢) يا معلم معلّماً؛ هذه هي نتيجة جهلك!
- ٣) يا محمد أخانا؛ لن ننساك أبداً!
- ٤) يا أيتها المعلّمة؛ طوبى لك!

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٠ - ٢٩)

٢٩ - «كذا فليس من طلب الأعادي و مثل سُرَّاك فليكن الطّلاب». عين الخطأ: ربما الغرض من الخبر...

٤) طلب حقيقى ٣) التماس ٢) تمنى

١) إرشاد

٣٠ - عين ما هو أكثر مدحًا:

١) المؤمن مُعطٍ للقراء.

٣) المؤمن مُعطي للقراء.

٣١ - عين ما لم يأت على خلاف الأصل:

١) أين الأكاسرة الجبابرة الأولى

٢) على قدر أهل العزم تأتي العزائم

٣) كل ابن انتى وإن طالت سلامته

٤) ولما صار وذ الناس خبأ

و عادة سيف الدولة الطعن في العدى». عين الخطأ:

١) جاء «من دهره» بدل «في دهره» للإشارة إلى أن المتibi يعتقد أن الزمان والتاريخ يشكلان عادات الإنسان.

٢) إن عادة الطعن في العدو ليست من تلك العادات التي تُنسى، بل المدوح لا يزال متصرفًا بهذه الميزة.

٣) مخاطب المصارع الأول خالي الذهن، بخلاف المصارع الثاني.

٤) إن التقديم في المصارع الأول للاختصاص.

٣٢ - «إذا بلغ الطعام لنا صبي تخر له الجبابر ساجدين». عين الخطأ:

١) تقديم المفعول للمبالغة في الفخر.

٢) تأخير «لنا» في المصارع الأول للإشارة إلى حالة «الصبية».

٣) تقديم «له» في المصارع الثاني يشير إلى أنه هو معمول الفعل لا «الجبابر».

٤) الحال المفردة تبيّن أن الجبابرة لم يكونوا ساجدين بل أصبحوا هكذا بعد الطعام.

٣٣ - عين الخطأ عن حالة المخاطب في البيت التالي:

«إذا نطق السفيه فلا تجده فخير من إجابته السكوت»: إن المخاطب

١) يبحث عن أفضل الأعمال ليقوم به!

٢) عالم بما عليه أن يقوم به!

٣) يتصرّف أنّ من واجبه تجاه السفيه الإجابة!

٤) لا يدرى أهميّة المسند إليه (السكوت) فيريد الشاعر تبيّنه!

٣٥ - عين الصحيح:

١) قلب لهم ظهر المِجن = ما قد قام به دينته و عادته فليس بجديد.

٢) الضُّغْن يذوب الحسنات = المتكلّم يريد الإعلام و المخاطب خالي الذهن.

٣) وجوه كأزهار الرياض = المتكلّم يريد اختبار المخاطب.

٤) لكلّ نفس ما قدّمت = تقديم «لكلّ» على الفعل للاختصاص.

٣٦ - «رُفِيعُ الْعَمَادِ طَوِيلُ النَّجَادِ» د ساد عشيرته أمراً. عين الصحيح:

١) «ساد» كنایة عن صفة و هي قريبة الوصول من جهة سرعة الانتقال إلى المكنيّ عنه.

٢) «رُفِيعُ الْعَمَادِ» كنایة بعيدة عن كون صاحب الخيمة ذا مكانة رفيعة.

٣) «ساد عشيرته أمراً» مجاز مرسل بعلاقة السبيبة.

٤) في «طَوِيلُ النَّجَادِ» نجد الاستعارة المصّرحة.

٣٧ - عين ما ليس فيه مجاز عقلي:

١) قد تُنكر العين ضوء الشّمس من رمد

٢) فلما ملكتم سال بالدمّ أبطح.

٣) قيل الكمة ألا أين المحامونا.

٤) مشغوفة بمواطن الكتمان.

١٨ - «و لرَبِّ ملحمة بلايل نصرها

تشدو و أغريه المنايا تعق». عين الخطأ: في البيت استعارة ...

٢) تصريحية.

٤) ترشيحية.

١) أصلية.

٣) مكنيّة.

٣٩ - عين ما فيه طباق:

١) لئن ساءني أن نلتقي بمساءة

٢) فإذا حاربوا أذلوا عزيزاً

لقد سرّنني أنّي خطرت ببابك.

و إذا سالموا أعزّوا ذليلاً.

٣) اللئيم يغفو عند العجز و لا يغفو عند المقدرة.

٤) ﴿و أَنَّهُ هُو أَضْحَكُ و أَبْكَى و أَنَّهُ هُو أَمَاتُ و أَحْيَا﴾

٤٠ - عين بحر البيت التالي: « و جبريلٌ أمين الله فينا

و روح القدس ليس له كفأة»

٢) المقارب

١) الهاج

٤) الوافر

٣) الطويل

تاریخ ادبیات عربی - درک و فهم متون ادبی (قدیم و جدید):

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤١-٥٧)

١- ٤- كيف نظر إلى موضوع «استهلال القصائد الجاهلية بالنسبة» في الدراسات النقدية؟ عین الخطأ:

١) وظيفة الشاعر في المجتمع القديم أقرب إلى الكهنة والعرافين الذين يتطلعون إلى الملا الأعلى، فالنسبة إشارة إلى قلقهم الوجودي.

٢) حين نرى أنّ العرب يرمون للمرأة بالنخلة ثم يعبدونها فهذا شاهد على أنّ الكلام عن المرأة له إشارات لا هوئية.

٣) ذلك إخبار بوجود اللاحالقات في المجتمع الجاهلي فإنه تصرّح بأنّ المجتمع كان خائضاً في الملاهي.

٤) النسبة وثيق الارتباط بعوائد الجاهليين في تقدیس الأنثى و تأليه الخصوبة.

٤- عین الخطأ عن الشعر في العصر الجاهلي:

١) أكثر شعر هذا العصر كان على أوزان طويلة التفاعيل ولم يغفل عن الأوزان الخفيفة.

٢) أسلوب القصيدة في بنائها و مضمونها لم يكن متفكّراً، فكان الشاعر يَتّخذ طريقة ملائمة في بيان ما في ضميره.

٣) لغة الشعر كانت لغة مثالية موحّدة غابت عنها لهجة قريش، فامرؤ القيس كان يمنيًّا لكن شعره على لهجة قريش.

٤) كان في ذلك العصر جماعة باسم الراوية فكان يلزّم الشاعر و يقوم بنشر شعره، فامرؤ القيس كان راوية لأبي دواد.

٤- عین الخطأ عما لا يصح أن ينسب إلى المتنبي:

١) كان يجتنب أن يستخدم الألفاظ الغربية، بعكس ما كان يعمل في بناء الجملة.

٢) يميل إلى مدرسة الكوفة وقد حاول أن يستخدم أكثر الشواد النحوية في قصائده.

٣) أثر الصوفية والكلام الرمزي مشهود في قصائده فلذلك يعتبر البعض أنه كان متأثراً بالتيار الشيعي.

٤) من القدرات اللغوية عنده استطاعته في صياغة أبيات قد أصبحت أمثلاً، بحيث أصبح رائداً في هذا المجال.

٤- عین الصحيح عن الروح السائدة في العصر العباسى في مجال الأدب:

١) إنّ الأدب في العصر العباسى لم يتأثر بالبيئات، فالأدب في حلب و الشام و العراق كان يتّجه نحو أساليب و خطط واحدة.

٢) بسبب الجهود التي بذلت في عصر الأمويين لمواجهة اللحن، لم نر توسيع هذا الأمر، فلهذا حاول الغويون ترسیخ دعائم اللغة فقط.

٣) إنّ رغبة العباسيين في الرسم و النحت و التصوير هي التي اضطررت الشعراء أن يجعلوا من الكلمات ألواناً و طلاءات و فرشاً يرسمون بها و يزينون.

٤) كان حظّ العقل أقلّ من حظّ العاطفة و نصيب الصنعة أقلّ من نصيب الطبع بالقياس إلى حالة العصرين السابقين لهذا العصر.

٤- عين الصحيح عن تأليف المؤلفين المذكورين:

«أبو هلال العسكري - ابن طباطبا - حازم القرطاجي - أبوحيان التوحيدى»:

١) نقد الشعر، البديع، المثل السائر، فنّ الشعر

٢) الكامل، طبقات الشعراء، أمالى، الصناعتين

٣) مفتاح العلوم، طبقات فحول الشعراء، بغية الرواة، نقد النثر

٤) الصناعتين، عيار الشعر، منهاج البلغاء و سراج الأدباء، الإمتناع و المؤانسة

٤- عين الصحيح عن المواضيع المذكورة في الكتب التالية:

١) «الموازنة بين الطائبين» للأمدي، حول مذهبين في القرن الثالث؛ المعنى و اللفظ لأبي تمام و البحتري.

٢) «المغني» للفاضي عبدالجبار الذي قام بشرح قواعد اللغة العربية على أساس آراء البصريين.

٣) «التابع و الزواعي» لابن شهيد الأندلسي و هو مجموعة من قصائد أنشدها في وصف طبيعة الأندلس.

٤) «الشافية و الكافية» لابن الحاج و هو كتاب في موضوع الأمراض و ما يداويها مثل الشفاء و القانون لابن سينا.

٤- من فتح الباب للتلعبات اللغوية في الشعر العربي كالالتزام القوافي الداخلية للأبيات و التزام الحروف المهملة و المنقوطة؟

١) أبوالعلاء المعري

٣) أبوحيان التوحيدى

٤- عين الصحيح عن الثلوجات:

١) وصف البرودة في الشعر ابتكره ابن ساعاتي

٢) وصف الثلوج في الشعر ابتكره كشاجم و الصنوبرى

٣) وصف الشتاء في الشعر ابتكره ابن منير الطراولسى

٤) وصف لمعان الأسنان و بياضها في الشعر ابتكره أسامة بن منذ

٤- عين الخطأ فيما أشتهر كلّ من الناقدين و الأدباء التاليين:

١) أركون: الرؤية التاريخانية

٤) أبوذيد: النقد النفسي

٣) الغذامي: النقد التفافي

٥- عين الصحيح عن المواضيع المذكورة في الكتب التالية:

١) الرؤى المقمعة لـ «أبودبيب»، درس فيه الأشعار الجاهلية على أساس المنهج البنوي.

٢) على بساط الريح لـ «فوزي المعلوف» مسرحية يتكلّم فيها الشّاعر عن حوادث حياته بتفاؤل.

٣) المرايا المقعرة لـ «حمودة» يتكلّم فيه عن الأجناس الأدبية و أسباب رجحان الواحد على الآخر.

٤) الخطيبة و التكثير من البنوية إلى التشيرية لـ «عبدالله الغذامي» يتكلّم عن آليات التقويضيين في

شرح عوبيصات العبارات.

٥١ - عين الصحيح عن تأليف المؤلفين المذكورين:

«بنية العقل العربي – الفن و مذاهبه في الشعر العربي – قضايا النقد الأدبي – ابن الرومي، حياته من شعره»

١) أركون . طرابيشي . سعد مصلوح . محمد مندور

٢) حسين مروة . جابر عصفور . صلاح فضل . طه حسين

٣) عابد الجابري . شوقي ضيف . زكي العشماوي . العقاد

٤) تيزابي . علي حرب . عبد الوهاب المسيري . عبدالسلام المسدي

٥٢ - عين الخطأ عن المنهج النفسي:

١) إن كانت الأخبار التاريخية عن حياة أديب قليلةً فيمكن تعويض ذلك بمراجعة آثاره المكتوبة.

٢) إنه منهج يزن جميع الأقوال و الحركات و بنيات الجملة و عناصرها ببواطنها في نفس الإنسان.

٣) الاتجاه النفسي لم يكن متأثراً بمدرسة التحليل النفسي التي أسسها فرويد حيث على أساسها أبدى نظريته.

٤) في رؤية العقاد إذا لم يكن بدّ من تفضيل إحدى المدارس النقدية على آخرها فمدرسة النقد السيكولوجي أحقّها.

٥٣ - عين الخطأ عن الأسلوبية:

١) الأسلوبية تطرح نفسها بديلة عن النقد الأدبي فتحاول أن تخلص من سيطرة علم اللغة عليها فكأنّها وصلت إليه.

٢) من المأخذ على الأسلوبية هي أنّ أغلب هذه الدراسات تتبع الأسلوبية الإحصائية التي هي بعيدة عن شعرية النص.

٣) البحث الأسلوبي هو علم الانحرافات بشرط القيام بوظيفة لغوية و إلا تحسب لعبه و لغزاً.

٤) الأسلوبية الوظيفية نوع من أنواع الأسلوبية التي تهتم بدراسة العدول في النص.

٤ - إنّ كلّ نص هو عبارة عن لوحة فسيفسائية من الاقتباسات». عين الصحيح عما يدلّ عليه الكلام المذكور:

١) هذا مفهوم الانسجام بمعنى تداخل كلمات النص بعضها ببعض و تشابه البنيات مثل الفسيفساء.

٢) هذا مفهوم التناص، بمعنى أنّ كلّ نص هو امتداد لنص آخر أو تحويل عنه.

٣) هذا مفهوم السرقات الأدبية و ذلك مضمون مأخوذ من بقية الكتب التي أفت قبلها.

٤) هذا مفهوم التماسّك النصيّ و هو عبارةً مقتبسة قد أستعيرت من كتب أخرى.

٥٤ - عين الصحيح عن الوحدة العضوية:

١) هي بالضرورة وحدة صور الخيال.

٤) إنّها ليست إلاّ وحدة الصورة و وحدة الإحساس.

٥٥ - عين الصحيح للفراغ: إنّ من الشعراء الذين تأثروا بالأداب الفارسية.

١) اسماعيل بن يسار - ابن المقفع - أبا العتاية

٢) محمود الوراق - بشار - أبانواس

٤) أبان الاحقى - بشار بن برد - أبانواس

٣) أبان الاتقان

٥٧- عين الخطأ عن عدّة الباحث في الأدب المقارن!

- ١) يجب أن يتمكّن من قراءة ترجمات النصوص التي ينوي دراستها.
- ٢) لابد أن يكون على علم بالحقائق التاريخية للعصر الذي يدرسه.
- ٣) يجب عليه أن يستطيع قراءة النصوص المختلفة بلغاتها الأصلية.
- ٤) يجب عليه أن يعرف معرفة دقيقة تاريخ الآداب المختلفة التي هو بسبيل البحث فيها.

■ ■ ■ إقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د - ه - و - ز) ثم أجب عن الأسئلة (٥٨-٨٠) بما يناسب النص

الف (٥٨-٨٠):

قال الله تعالى في سورة إبراهيم (٢١ و ٢٢):

﴿ وَبَرَزُوا لِللهِ جَمِيعًا فَقَالَ الْمُضْعَفُونَ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كَنَّا لَكُمْ تَبْغَى فَهُلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ، قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ أَهْدِنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزَّنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مُحِيصٍ، وَقَالَ الشَّيْطَانُ لِمَا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلَوْمُونِي وَلَا تَوْمَنُونِي أَنْفَسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخَكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي، إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ﴾

٥٨- على حسب النص ...

- ١) لم يكن مستحيلًا أن تجتمع الهدایة و الكبر.
- ٢) من كان يتبع الآخرين فإنه لا يعتبر ضعيفاً.
- ٣) الشيطان لا يستسلم و لا يذعن بنكسه إلا في آخر المطاف حين بربت الأمور كلها.
- ٤) كيّونة الشيطان من أول خلقته لم تكن إغاثة الآخرين، بخلاف الإنسان (الموصوف في الآية).

٥٩- عين الخطأ:

- ١) إن الله يعذ الناس كما أن الشيطان يعذ كذا، فليس هناك فرق.
- ٢) لم يطلب الضعفاء الإعفاء من العذاب كلّه، بل من بعض منه.
- ٣) هؤلاء الموصوفون في هذه الآيات مبدئياً لم يكونوا منكري خالقهم و معاوندي ربّهم بتاتاً.
- ٤) إن الشيطان يدعى أن الحق معه لأنّه لم يعذ إلا المناداة، فأجابوه من دون تأمل و تريث.

٦٠- عين آية تناسب النص:

- ١) ﴿يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾
- ٢) ﴿وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نُأْتِكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾
- ٣) ﴿رَبَّنَا هُؤُلَاءِ أَضَلَّنَا فَأَتَهُمْ عَذَابًا ضِعَافًا مِنَ النَّارِ﴾
- ٤) ﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمَنَا طَائِرَهُ فِي عَنْقِهِ﴾

ب (۶۳-۶):

قال الإمام علي (ع) في نهج البلاغة:

أما بعد فإن الدنيا قد أذربت و آذنت بوداعٍ و إن الآخرة قد أقبلت و أشرفت باطلاعٍ، ألا و إن اليوم المضمار و خداً السباق و السبقة الجنة و الغاية النار ... ألا و إنّي لم أر كالجنة نام طالبها و لا كالنار نام هاربها. ألا و إنّه من لم ينفعه الحق يضرره الباطل و من لم يستقم به الهدى يجرّ به الصّلال إلى الرّدى. ألا و إنّك قد أمرت بالظّعن و دلّلتم على الزّاد فترؤّدوا في الدنيا من الدنيا ما تحرّزون به أنفسكم خداً!

٦١ - عَيْنُ الصَّحِيحِ:

١) إنّ اليوم المضمار : إنّ هذه الدنيا ضامرة و هزيلة لاتليق بالاتّقاء.

٢) من لم يستقم به الهدى: الذى لم يكن له الصبر و الاستقامة بواسطة الهدى.

^{٣٣}) السقة الحنة و الغاية النار : المساقة حول الحنة و المال و النتاحة في النار .

٤) إن الآخرة قد أقبلت و أشرفت باطلاع: الآخرة قد نقدمت و أرت حضورها بالإعلام.

٦٢ - عَيْنُ الصَّحِيفَ:

١) إرهادات المسابقة في الدنيا و نفسها في الآخرة.

٢) إن الدنيا مخزن أزواد الناجين و المُحَرَّزِين في الآخرة.

٣) يأمر الإمام بالهجرة في الدنيا والاستعداد لها في هنا.

٤) الاغيون في الحنة هاربون و الخائفون من النار نائمون

عن الخطأ: من رؤى الإمامين

۱۰. عین الحصى: مِنْ رُوَىِ الْإِمَامِ ...

١) انه لا يمكن ان يدعى إنسان بأنه لم يكن يدرى ان الدنيا لا بقاء لها و ان الاحرء لا حبر عنها!

٢) ان الطريق إلى الحقيقة غير مستور و مصاديق الزاد غير خفي فكان المعاذير لا تقبل!

٣) وجود ثنائية النفع والضرر فمن لم يشعر بالنفع في طريق الحق يقع في حضن ضده!

٤) اجتناب الدنيا و الزهد فيها و الإغماض عنها و اعتبارها بأنّها مخزن الشّرور فقط!

ج (٤ - ٦) :

أنشد الشاعر الجاهلي «المتلمس»:

١- أعاذل إن الماء رهن مذيبة

٤- فلا تقبلن ضيماً مخافة ميته

٣- فَمَا النَّاسُ إِلَّا مَا رَأَوْا وَ تَحْدَثُوا

٤- فَمَنْ طَلَبَ الْأُوْتَارَ مَا حَرَّ أَنْفَهُ

* «بيهـ» الملقـف بالنـعـامـة كان معـروـفـاً بالـحـمـةـ.

٦٤ - عين الخطأ:

- ١) لا حيلة للموت في هذه الحياة إلّا بالثار فإنه ينقذ الإنسان منه!
- ٢) ليس في زمن الشاعر للمدريكات غير الحسيّة دور في الحياة!
- ٣) من محمد الجاهلي ذم العجز و ثناء الإباء!
- ٤) لا ذم للاحتيال إذا كان للوتر!

٦٥ - عين الخطأ فيما يرتبط بالرؤية الكونية للشاعر:

- ١) مرهونية المنية
- ٢) سوء الضيّم
- ٣) أخذ الثّار
- ٤) عدم خلود الحياة

٦٦ - عين الصحيح عن مفهوم التعبير التالية:

- ١) المرء رهن منيّة = ملكيّة الموت للإنسان
- ٢) صريع لعافي الطير = مقتول و متزوك للطيور الجائعة
- ٣) أن يضاموا فيجلسوا = القيام بالظلم و عدم الاعتراف به
- ٤) جلدك أملس = نعومة قشر البدن و عدم التصاقه بالتراب

د (٦٧-٦٩):

كتب الجاحظ في البيان و التبيين:

و أحسن الكلام ما كان قليلاً يغريك عن كثيرو و معناه في ظاهر لفظه. و كان الله عزّ و جلّ قد أليسه من الجلالة و غشاه من نور الحكمة على حسب نية صاحبه و تقوى قائله؛ فإذا كان المعنى شريفاً و اللفظ بليغاً و كان صريح الطبع بعيداً من الاستكراه منزهاً عن الاختلال مصوّناً عن التكّلف صنع في القلب صنيع الغيث في التربية الكريمة، و متى فصلت الكلمة على هذه الشريطة و نفذت من قائلها على هذه الصفة أصحابها الله من التوفيق و منحها من التأييد ما لا يمتنع من تعظيمها به صدور الجبارة و لا يذهل عن فهمها عقول الجهلة

٦٧ - عين الصحيح: في مجال الاتصال اللغوي المؤثر مع الآخرين الحجر الأساس هو

- ١) المضامين الحسنة.
- ٢) التربية الكريمة.
- ٣) الكلام المشروط.
- ٤) التوفيق الريّاني.

٦٨ - ما هو المرجح بين الأقوال المفيدة؟ - من جملة المرجحات هو ...

- ١) الطبع الصحيح عند المتكلّم.
- ٢) البعد من الاستكراه عند المتكلّم.
- ٣) إيجازها و ظهورها و توفيقها الريّاني.
- ٤) الأرضية المناسبة أثناء صدور الكلام.

٦٩ - عين الخطأ:

- ١) إذا كان الكلام منصفاً بصفاته الازمة فلا يتولى عنه الجاهل.
- ٢) تلين قلوب الكفرا بسماع الكلام المؤهّل و هم يدعون إنكارهم.
- ٣) إن كان الكلام يشتمل على بطون فهمها أسهل، فأحسن مما هو غير ذلك.
- ٤) في عملية انتقال الكلام إنما نحتاج إلى المؤهّلات الازمة عند المرسل والمُرسل إليه.

٥ (٧٠-٧٢) :

أشد المتنبي مخاطباً سيف الدولة:

أَمَا يَتَقَيَّ منْ شَفْرَتِي مَا تَقَلَّدا
تَصَيَّدَهُ الضَّرَّغَامُ فِيمَا تَصَيَّدَا
وَلَوْ شَتَّتَ كَانَ الْحَلْمُ مِنْكَ الْمَهَنَدا
وَأَنْطَلَتْ أَفْرَاسِي بِنْعَمَكَ عَسْجَدا
وَكَنْتَ عَلَى بَعْدِ جَعْلَتِكَ مَوْعِدا

١- فِيَا عَجَّبَا مِنْ دَائِلَ أَنْتَ سَيفَهُ
٢- وَمِنْ يَجْعَلُ الضَّرَّغَامَ لِلصَّيْدِ بِسَارَهُ
٣- رَأَيْتَكَ مَحْضَ الْحَلْمِ فِي مَحْضِ قَدْرَهُ
٤- تَرَكْتَ السُّرَى خَلْفِي لِمَنْ قَلَّ مَالَهُ
٥- إِذَا سَأَلَ إِنْسَانٌ أَيَّامَهُ الْغِصَّى

٧٠ - عين الخطأ:

- ١) الدائل (ال الخليفة) هو الضرّغام و سيف الدولة بأرائه فإنّ الباز يقوم بالصيد للضرّغام!
- ٢) إنّ الشاعر بكلامه يشجّع الجمهور و الآخرين على الالتحاق بالحكومة و الدّود عنها!
- ٣) يمدح الشاعر سيف الدولة من زاوية و يخوّف الآخرين منه من زاوية أخرى!
- ٤) إنّ بعض الناس كانوا يعملون ليلاً في زمن الشاعر لإدارة حياتهم المعيشية!

٧١ - عين الخطأ: كأنّ

- ١) هذه الأبيات في طياتها رسالة في الواقع لل الخليفة العباسي!
- ٢) صاحب هذه الأبيات لم يكن وده خالصاً لسيف الدولة!
- ٣) القائل في هذه القصيدة يتمتع بحياة ثرية فإنه متعمّ!
- ٤) الشاعر يشتكي من حياته فيطلب الصلة و المساعدة!

٧٢ - عين رقم بيت مفهومه أنّ الإنسان ينبغي له أن يستخدم كل شيء في موضعه:

٢) الثالث	١) الثاني
٤) الخامس	٣) الرابع

و (٧٣-٧٦):

أنشد الشاعر الأندلسي «ابن حميس» يتوجه على «صقلية» بعد سقوطها بيد الأسبان:

عدمُت لها من أجمل الصبر حابسا
ف ساعت ظنوني ثم أصبحت يائسا
و كانت على أهل الزمان محارسا
و ما مارسوا منهم أبئا ممارسا
إليهم من الأجداث أسدًا عوابسا
تبخر في أرجائه النب مائسا

١- أعاذن دعني أطلق العبرة التي
٢- تعودت أرضي أن تعود لقومها
٣- «صقلية» كاد الزمان بلادها
٤- مشوا في بلاد أهلها تحت أرضها
٥- ولو شفقت تلك القبور لأنهضت
٦- ولكن رأيت الغيل إن غاب لبته

٧٣- عم لم يتحدث الشاعر؟

١) ماضي بلده المجيد
٢) سبب استيائه

٢) أمنيته في الحياة

٤) كلام عدوه الغاشم

٤- عين رقم البيت الذي يناسب مفهوم ما يلي: «إن طرد الرفيع ساد الوضع!»

٤) الرابع

٣) الثالث

٢) الخامس

٧٥- عين رقم البيت الذي يشير الشاعر فيه إلى أن المحتلين لم يواجهوا المواطنين الحقيقيين لصقلية:

٤) السادس

٣) الثالث

٢) الرابع

١) الخامس

٤- عين الصحيح:

١) لا يزال الشاعر يأمل أن تتغير الظروف و تستعاد صقلية بفضل أسود عوابس تنهض من الأجداث.
٢) في البيت الثالث يتكلّم الشاعر عن بدء استعادة «صقلية» حيث كان الناس في معامل يستعدون للهجوم عليهم.
٣) إن الشاعر يلوذ و يلتّجئ إلى الأرض لاستعادتها، فلهذا ييأس.
٤) في رؤية الشاعر إن الصبر و الدموع لا يجتمعان معًا.

ز (٧٧-٨٠):

أنشد «الجواهري» مظهراً شوّقه إلى بلده:

و هل يدنو بعيد باشتياق
هساك و أن جفناك غير راق
و لا ليلاً ي هناك بسحر راق
كم أحلتِ المعاطن للنّيابق
شتيم الوجه مسود الرّوّاق
و إيهان نرسف في وثاق
مزدّة تعزّ على اختراق
حفيـف الـبـومـ يـؤـذـنـ بالـزـعـاقـ

١- سهرت و طال شوقي للعراق
٢- و هل يدنـيـكـ أـنـكـ غيرـ سـالـ
٣- و مـاـ لـيـاـيـ هـنـاـ أـرـقـ لـدـيـ
٤- و لكنـ تـرـيـةـ تـجـفـوـ وـ تـحـلـوـ
٥- وـ لـيـلـ مـوـحـشـ الجـنـبـاتـ دـاـجـ
٦- أـشـدـ إـلـىـ النـجـوـمـ بـهـ كـأـنـيـ
٧- كـأـنـ بـرـوـجـهـ حـبـكـ دـلـاـصـ
٨- كـأـنـ مـخـارـقـ الأـجـوـاءـ فـيـهـ

٧٧ - عين بيّنًا يقترب مفهومًا من المثل التالي: «الداعي بلا عمل كالزامي بلا وتر»

(١) الثالث (٢) السابع

(٣) الثاني (٤) الرابع

٧٨ - عين رقم بيت يقول فيه الشاعر إنّ فاقد الشيء يدرك قيمته.

(١) الأول (٢) الثاني

(٣) الرابع (٤) السابع

٧٩ - عين الخطأ:

(١) في المصراع الثاني من البيت السادس يقول الشاعر كما أنّ الإنسان حين شدّت رجله بالسلسلة لا يقدر أن يتحرّك فكان الليل أيضًا قد أصبح هكذا.

(٢) إن الشاعر يُبدي رؤيته الكوربية في البيت الأخير لأنّه يتكلّم عن هيمنة الأيام على العالم بأسره حيث لا يسمع منها العناق من الرّق.

(٣) يجib الشاعر في البيت الرابع بهذا السؤال المقدّر بأنه لماذا يتحسّر على بلده المغرور في المساوى والضرائر.

(٤) في البيت السابع يتكلّم الشاعر عن غشاوة الليل واستيعابها بحيث لا حركة للزمان ولا إمكان لطوع الصبح.

٨٠ - عين رقم البيت الذي يتبيّن أنّ الشاعر لا يبحث عن الراحة في الحياة بل مسأله حبّ الوطن:

(١) الثالث (٢) الرابع

(٣) الأول (٤) الثاني

Www.arabimahya.com

Www.arabimahya.com